

بررسی ویژگی‌های شیوه ترجمه بین خطی قرآن

(مورد پژوهی چهار ترجمه متعلق به قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری)

چکیده:

یکی از شیوه‌هایی که در گذشته در ترجمه متون وحیانی از جمله انجیل و قرآن مجید به کار می‌رفت شیوه ترجمه بین خطی (Interlinear Translation) بود. در این شیوه، مترجمان به دلیل حرمتی که برای متن اصلی قائل بودند به ترجمه حیثیت متنی مستقل نمی‌دادند و به شکل لفظ به لفظ ترجمه می‌کردند و ترجمه خود را بین خطوط می‌آوردند. با این حال ترجمه‌های اولیه قرآن کاملاً تحت اللفظی نیست و از ابتکاراتی زبانی برخوردار است که بررسی آن‌ها موضوع این مقاله می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به واکاوی مقایسه‌ای و زبان شناختی چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری پرداخته‌ایم. این چهار متن عبارتند از: ترجمه رسمی معروف به ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی در بخش آیات، ترجمه قرآن قدس و ترجمه قرآن ری. موارد انتخاب شده در دو حوزه کلی واژگان و نحو مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مترجمان به درجات متفاوت به صورت‌های واژگانی و نحوی متن اصلی وفادار بوده‌اند. به عبارت دیگر، علی‌رغم اینکه ترجمه‌ها در مجموع تحت اللفظی هستند، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شاخص واژگانی و نحوی دارند که آن‌ها را به متون ارزشمندی تبدیل کرده است. کاربرد معادل‌های اصیل فارسی در ترجمه تفسیر طبری، گونه فرارودی زبان فارسی، و در ترجمه قرآن قدس، گونه جنوبی زبان فارسی، و وجود برابر نهادهای محلی، عمدتاً گویش سیستانی، در ترجمه قرآن قدس از جمله این ویژگی‌هاست. در ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی و ترجمه قرآن ری عربی زدگی در حوزه واژگانی و بخصوص در ترجمه واژگان دخیل بیشتر مشهود است. در حوزه نحوی نیز ترجمه‌های تفسیر ابوالفتح رازی و قرآن ری همخوانی بیشتری با اقتضانات نحوی زبان فارسی نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: ترجمه بین خطی، قرآن، ترجمه رسمی (طبری)، ترجمه تفسیر ابوالفتح رازی، ترجمه قرآن قدس، ترجمه قرآن ری.

ترجمه متون مقدس و در رأس آن قرآن، این وحی نامه الهی و سند عظیم الشان زبانی از جمله ضروریات تبلیغی در هر دین محسوب می شود و با توجه به رسالت قرآن که سنگ زیرین تفکر و ارجمندترین مستند شناخت و معرفت در همه زمان ها و مکان هاست این ضرورت به مراتب افزون تر می گردد. چنانکه دانشوران و مترجمان بسیاری در طول تاریخ اسلام اقدام به ترجمه قرآن کرده اند و به مرور زمان «دانش ترجمه قرآن با بررسی شیوه های ترجمه متون مقدس و بیان نقاط قوت و ضعف آنها بالنده تر و پویا تر شده است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ص ۳۳)

در میان روش های ترجمه متون مقدس روش ترجمه واژه به واژه یا تحت اللفظی، موضوع بحث ما در این مقاله است. در این روش تقید و پایبندی به متن مبدأ دغدغه اصلی مترجم است چرا که او نهایت تلاش خود را می کند تا همه واژگان و حتی حروف همانگونه که در زبان مبدأ آمده است دقیقاً به زبان مقصد برگردانده شود و چیزی در ترجمه کم یا زیاد نشود.

در این مقاله برآنیم ضمن بیان ویژگی های شیوه ترجمه بین خطی در متون مقدس با محوریت قرآن به بررسی مقایسه ای و زبان شناختی چهار ترجمه بین خطی قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری بپردازیم. ترجمه رسمی معروف به ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تفسیر ابوالفتوح رازی در بخش آیات، ترجمه قرآن قدس و ترجمه قرآن ری بر اساس نسخه های محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی در این تحقیق مدنظر بوده است.

نا گفته نماند که عمده ترین دلیل این انتخاب ها وجود ترجمه بین خطی در نسخه خطی هر یک از آنها بوده است. لذا ترجمه هایی که مزجی بوده و یا در لابلائی تفسیرها وجود داشته اند و به صورت بین خطی نبوده اند از حوزه کار ما خارج شدند. در این تحقیق به جای ذکر کامل نام ترجمه ها از حروف زیر به اختصار استفاده می شود:

ط = ترجمه رسمی (طبری)؛ اب = ترجمه تفسیر ابوالفتوح رازی؛ ر = ترجمه قرآن ری؛ ق = ترجمه قرآن قدس
هدف اصلی این پژوهش پاسخ به دو سؤال اساسی است:

۱- ویژگی های واژگانی ترجمه های بین خطی قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری کدام است؟

۲- ویژگی های نحوی ترجمه های بین خطی قرآن در بازه زمانی فوق کدام است؟

این جستار با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه ای ضمن آنکه به بیان ویژگی های شیوه ترجمه بین خطی در متون وحیانی به طور عام می پردازد، ویژگی های این شیوه را به طور خاص با واکاوی مقایسه ای و زبان شناختی در چهار ترجمه بین خطی قرآن در بازه زمانی فوق حول دو مقوله اساسی واژگان و نحو بیان می کند.

ترجمه متون وحیانی از جمله قرآن، حساسیت ویژه ای دارد و نیازمند دانش های زبان شناختی و مرتبط با امر ترجمه است. در این زمینه پژوهشهایی صورت گرفته که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مجموعه پنج جلدی فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷) با نظارت و سرپرستی محمد جعفر یاحقی، فرهنگ برابره های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی است. هدف از تهیه و تنظیم این فرهنگنامه، گردآوری و دسته بندی معانی پارسی و واژه ها و ترکیباتی بوده است که قرآنها ی خطی و کهن کتابخانه آستان قدس رضوی از گذشته های دور در سینه خویش محفوظ نگه داشته و تا امروز از دسترس پژوهندگان علوم قرآنی و مشتاقان زبان و ادب فارسی و فرهنگ نویسان و فرهنگهای موجود به دور بوده است.

کتاب ساختهای زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن (۱۳۸۹) از مرتضی کریمی نیا، شامل ۱۶ مقاله و گفتگو است که در باب ترجمه قرآن و وجوه مختلف ادبی آن نوشته شده است. ترجمه قرآن و به ویژه دقت در ظرایف ساختارهای نحوی قرآن و مقایسه آن با الگوهای زبان فارسی از جمله مهم ترین دغدغه های نویسنده بوده است.

مقاله « روش ها و سبک های ترجمه قرآن » از محمد علی رضایی اصفهانی، (۱۳۸۳) تحقیقی است که در آن نویسنده ضمن برشمردن و توضیح روش های ترجمه قرآن به مهم ترین سبک های ترجمه قرآن براساس هدف مترجم، مخاطبان، زبان ترجمه، وجود اضافات و عدم آنها، گرایش ها و عدم آنها، اعتبار ترجمه و مترجم و ترجمه های هنری اشاره کرده و در ادامه نقاط قوت و ضعف هر یک از روشها را بیان کرده است.

مقاله «تبادل واژگانی در ترجمه متون دینی : چالش ها و راهکارها» از علیرضا انوشیروانی، (۱۳۸۴) تحقیقی است درباره مباحث نظری ترجمه، مشتمل بر تعریف ترجمه از دیدگاه زبان شناسی کاربردی، تبادل ترجمه ای و تبادل واژگانی با توجه به متون دینی که از بار ارزشی و فرهنگی خاصی برخوردارند و در نهایت ارائه راهبردهای پیشنهادی ترجمه پژوهان برجسته در زمینه تبادل واژگانی.

سالارمنافی اناری در مقاله «ناممکن بودن تعادل کامل در ترجمه کلام الله»، (۱۳۸۲) ضمن برشمردن عامل زبان شناختی و کلامی و بررسی انواع مختلف تعادل به این نتیجه می رسد که رسیدن به تعادل کامل در ترجمه قرآن مجید ناممکن است هرچند که ترجمه، خیلی هم دقیق باشد.

همچنین در مقاله «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه ای واژگان در فرآیند ترجمه قرآن»، (۱۳۹۰) امانی و همکاران به بررسی و نقد برخی ترجمه های فارسی واژگان قرآن از منظر لایه های مختلف معنایی پرداخته اند.

ابوبکر علی و همکارانش در مقاله *“some linguistic difficulties in translating the holy Quran from Arabic into English”*

(2012)، به بررسی پاره ای از مشکلات زبان شناختی در ترجمه قرآن مجید پرداخته اند. نویسندگان در این

مقاله کوشیده اند برخی از مشکلات معنایی، نحوی و لغوی را در ترجمه آیات قرآن از عربی به انگلیسی بیان کنند.

جان لی، سیمون اس. ام. ونگ و همکاران در مقاله *“A Greek-Chinese Interlinear of the New Testament*

Gospels” (2012) به بررسی ترجمه بین خطی چهارانجیل ماتیو، مارک، لوقا و جان از یونانی به چینی پرداخته اند که

چهارکتاب اول عهد جدید در انجیل می باشند. آنها ترجمه های بین خطی را از این جهت که ویژگی های زبان شناختی

مهم متن به زبان مبدأ را در ترجمه به زبان مقصد مشخص می کنند مفید دانسته اند.

حیدر قلی زاده در پایان نامه اش با عنوان «مشکلات ساختاری ترجمه از عربی به فارسی (در محدوده قرآن کریم)» (۱۳۷۸) به موضوعاتی چون مشکلات ساختاری ترجمه، واحد ترجمه، ایهام ساختاری در ترجمه قرآن، بررسی عناصر ساختاری زبان فارسی و ترتیب آنها در ترجمه قرآن کریم و بررسی انسجام متنی یا بافتی و همنشینی، حذف و اضافه در فرآیند ترجمه قرآن پرداخته است.

همچنین نصرالدین أف، فخرالدین در رساله دکتری خود با عنوان^۱ «ترجمه و تفسیر فارسی- تاجیکی قرآن در قرنهای ۱۰-۱۲ میلادی و اهمیت ادبی این آثار»، (۲۰۱۲) به مطالعه نظری و تحلیلی تاریخ ترجمه و تفسیر فارسی- تاجیکی قرآن در بازه زمانی فوق پرداخته است. او در این تحقیق با اتکا به روش‌های تاریخی - تطبیقی حدود ۲۵ ترجمه از قرآن را در قرون ۱۰ - ۱۲ میلادی (۴ - ۶ هجری) بر شمرده که از منابع مهم و ارزشمند نثر فارسی و تاجیکی در قرون وسطی به شمار می‌روند و در میان این ترجمه‌ها چهار ترجمه مورد بررسی در مقاله ما نیز به چشم می‌خورد.

در آثار پژوهشی فوق در می‌یابیم هر چند در برخی از آنها به زبان ترجمه و روش‌های ترجمه قرآن و تعریف تعادل ترجمه‌ای اشاره شده است، لیکن در زمینه بررسی ویژگی‌های شیوه ترجمه بین خطی، به ویژه در ترجمه متون مقدس، با محوریت قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. لذا انجام این تحقیق از این جهت که می‌تواند تلقی گذشتگان را از ترجمه نشان دهد و در تدوین تاریخ ترجمه نقش داشته باشد ضرورت داشته و حائز اهمیت است. اما پیش از ورود به بحث لازم است پیشینه‌ای از ترجمه متون مقدس ارائه شود تا راه برای ادامه بحث هموارتر گردد.

● ترجمه متون مقدس

ادیان صاحب کتاب در برخورد با موضوع ترجمه رویکردهای متفاوتی داشتند. از دیدگاه یهودیان برای ترجمه نوشته‌های مقدس ممانعتی وجود نداشت لذا تورات عبری به آرامی، سپس به یونانی و سایر زبانها برگردانده شد. مسیحیان نیز ترجمه انجیل را نه تنها جایز بلکه واجب شمردند به گونه‌ای که برخی ترجمه‌ها از دیدگاه آنان حتی جنبه تقدس دارد. اما مسلمانان موضع متفاوتی داشتند به گونه‌ای که «ترجمه قرآن در آغاز نه تنها تشویق نمی‌شود، بلکه قدغن هم شده است. قرآن کتاب آسمانی، غیرقابل تقلید و جاودانی است و ترجمه آن عملی گستاخانه و بی‌ادبی به مقدسات محسوب می‌شود اما از آنجا که بسیاری از مسلمانان امروزی غیرعرب زبان هستند و کلام الهی باید به نحوی به آنها افاده گردد لذا ترجمه‌هایی از قرآن صورت پذیرفته است». (لوئیس، ۱۳۸۲: ص ۳۹)

یکی از مهمترین موضوعات چالش برانگیز برای مترجم متون مقدس از جمله قرآن کریم، معادل‌یابی برای انتقال معانی و مفاهیمی است که با تاریخ و فرهنگ ارتباط ناگسستگی دارد. در این خصوص ترجمه‌های متقدمان که مبتنی بر ترجمه تحت اللفظی‌اند از دقت بیشتری برخوردار است. شاید علت این تحت اللفظی بودن «از یک سو اهمیت دادن مترجمان به جنبه قدسی قرآن و امانتداری و مراقبت شدید آنان در امر ترجمه باشد که به شکل ترجمه کلمه به کلمه ظهور می‌یابد و از سوی دیگر، نبودن رشد و پیشرفت آشکار در صنعت ترجمه در سالهای آغازین ترجمه قرآن باشد.» (خرم‌شاهی، ۱۳۷۲: صص ۷۰۵-۷۰۶)

در این میان ترجمه های کهن قرآن به زبان فارسی از دیدگاه زبان شناسی، تاریخ زبان فارسی و فرهنگ نگاری در مقایسه با دیگر متون کهن فارسی، از بار ارزشی و فرهنگی خاصی برخوردارند و گنجینه ای گرانبها از واژگان اصیل و کهن فارسی و عامل حفظ و تداوم آن به حساب می آیند. اما به دلیل وجود تفاوت های واژگانی و نحوی میان دو زبان مبدأ و مقصد طبیعتاً ترجمه قرآن از عربی به دیگر زبان ها از جمله زبان فارسی با مشکلات زبان شناختی همراه خواهد بود که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهیم کرد.

• ترجمه بین خطی

ترجمه بین خطی (interlinear translation) معمولاً همان ترجمه تحت اللفظی است که در ترجمه متون وحیانی از جمله انجیل و قرآن مجید کاربرد دارد. در این شیوه ترجمه، به دلیل حرمت، اصالت و شأنی که برای متن اصلی قائل اند به ترجمه حیثیت متنی مستقل داده نمی شود. ترجمه، روان و سلیس نیست و با اندازه ای ریزتر بین خطوط نوشته می شود. مترجم به صورت الفاظ متن اصلی پایبند است و با رویکرد ترجمه لفظ به لفظ می کوشد به جای هر واژه از زبان مبدأ واژه معادلی از زبان مقصد قرار دهد. چنین واژگان نیز معمولاً تحت تأثیر ساختار نحوی زبان مبدأ قرار می گیرد.

پایبندی به متن اصلی ممکن است منجر به ترجمه ای شود که در آن مترجم فقط تغییراتی را که واقعا اجباری بوده اعمال کرده و ویژگی های زبانی زبان مبدأ را تا حد امکان حفظ کرده است. هر چند برخی از این ویژگی ها ممکن است با ویژگی های زبانی زبان مقصد ناسازگار باشد. در این روش به تعبیر توری (1980) ترجمه به زبان مقصد صورت نمی گیرد بلکه به زبانی واسط صورت می گیرد که وجود خارجی ندارد. ولی بخشی از ویژگی های هر یک از دو زبان مبدأ و مقصد را دارا می باشد. به عقیده توری، تحمیل چنین زبانی بر زبان مقصد اگرچه به زبان مقصد آسیب می رساند اما خالی از فایده نیست. فایده آن انتقال نوآوری های زبانی به زبان مقصد و پربارتر کردن آن است. (خزاعی فر، ۱۳۸۳: ۶)

در پایان این مبحث نمونه هایی از ترجمه بین خطی در متون مقدس برای درک بهتر موضوع ارائه می شود.

Ἐν ἀρχῇ ὁ λόγος, καὶ ὁ λόγος

in beginning was the Word, and the Word

ἦν πρὸς τὸν θεόν, καὶ θεὸς ἦν ὁ λόγος

was toward the God, and god was the word.

نمونه ای از ترجمه بین خطی انجیل از یونانی به انگلیسی

زیر نظر کارگروه ترجمه بین خطی نسخه های یونانی

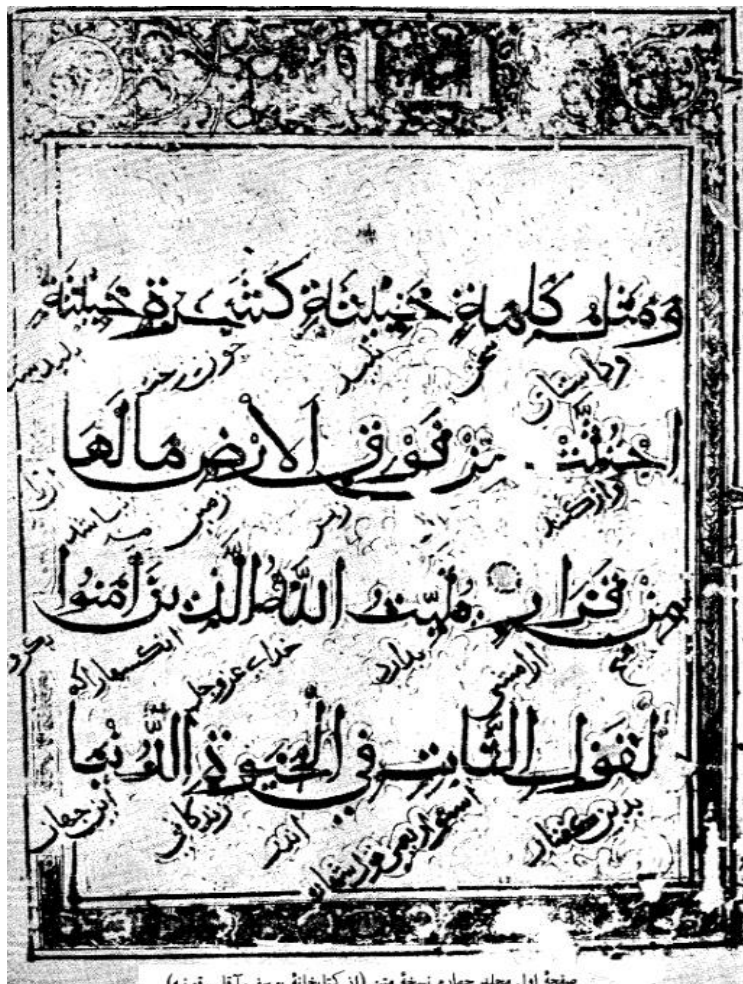
University of Nebraska

Greek, Hebrew, Strongs



نمونه ای از ترجمه بین خطی یونانی - عبری انجیل

برگرفته از سایت biblehub.com/interlinear



صفحة اول مجلد چهارم نسخة متن (از کتابخانه یوسف آقا - قونیه)

نمونه ای از ترجمه بین خطی قرآن به فارسی (ترجمه تفسیر طبری)

● بررسی زبان شناختی چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری

ترجمه قرآن مجید از عربی به زبانهای غیر هم خانواده آن از جمله زبان فارسی طبیعتاً با مشکلات زبان شناختی متعددی در سطوح مختلف معنایی، واژگانی و نحوی همراه است. مترجم آگاه سعی می‌کند با وجود تفاوت‌های واژگانی و نحوی دو زبان، مفهوم را از آیه قرآن دریافت کند و آن را در قالب زبان فارسی بیان کند. در این پژوهش موارد قابل بحث در چهار ترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری حول دو مقوله اساسی واژگان و نحو با روش نمونه برداری به صورت مقایسه ای و بر مبنای متن اصلی ارزیابی می‌شود.

● مقولات اساسی در معادل یابی واژگانی:

مترجمان در امر واژه‌گزینی در فرایند درک معنای واژگان مبدأ و انتقال آن به قالب واژگان مقصد، به شکل‌های مختلف عمل می‌کنند:

۱. آوردن واژه معادل برای واژه های چند معنایی

رابطه چند معنایی (Polysemy) یکی از مهم ترین روابط مفهومی در سطح واژه های زبان است. تعدد و تکثر معانی یکی از ویژگی های زبان شناختی قرآن است و به صورت پدیده ای بیان می‌شود که در آن «کلمه ای چندین معنی مختلف دارد که با یکدیگر مرتبط هستند و مترجم هنگام رساندن معنای مورد نظر این نوع کلمات با مشکل مواجه می‌شود.»

(Abobaker Ali, 2012: 589)

حال در چهار ترجمه مذکور به نمونه هایی در این مورد اشاره می کنیم:

(۱-۱) برای نمونه واژه «تَرک» در دو آیه از قرآن معانی متفاوتی دارد:

(۱-۱-۱) در آیه « اَنْتِ تَرَكْتُمْ مَلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ » (یوسف : ۳۷) به معنای «تَرک کردن» و «رها کردن» است.

ط - که من بگذاشتم دین گروهی که نه می گروند بخدای عزوجلّ ، ...

اب- من رها کردم دین گروهی که ایمان ندارند به خدای ...

ر - که من بگذاشتم ملت گروهی که نیارند ایمان به خدای تعالی ...

ق- من بهیستم دین قومی کنمی گرویند به خدای ...

در ترجمه های «ط» و «ر» معادل واژه «تَرک»، «بگذاشتن» آمده که به معنی «دست برداشتن» است. با بررسی گونه فرارودی زبان فارسی کاربرد این معادل ها حتی تا قرن های پس از بازه زمانی مورد نظر به چشم می خورد. در فرهنگ زبان تاجیکی^۲ برای واژه تَرک این معانی ذکر شده است: «دست کشیدن»، «پَر تافتن»، «گذاشتن» (Шакуров ва) (330 : 1969 , дигарон) و در ذیل مدخل، شاهد مثال هایی آمده که بیانگر رواج و استعمال این معانی حتی تا قرن های هفتم و هشتم هجری نیز می باشد از آن جمله: مهتری در قبول فرمان است/ ترک فرمان دلیل حرمان است. (سعدی شیرازی، ۱۳۶۸ : ۱۱۸)

در فرهنگ تفسیری زبان تاجیکی^۳ نیز «دست کشیدن» «گذشتن از بهر چیزی»، «رها کردن» معادل هایی برای واژه ترک ذکر شده است. (Назарзода ва дигарон, 2008 : 314) چنانکه ملاحظه می شود مترجمان تفسیر طبری که از حوزه جغرافیایی ماوراءالنهر برخاسته بودند در ترجمه خود از معادلی استفاده کرده اند که نه تنها در بازه زمانی مورد نظر رایج بوده بلکه حتی در قرن بعد نیز کاربرد داشته است و بدیهی است قابلیت ارتباطی که معیار علمی و معمول در امر واژه گزینی است در ترجمه آنها نمود یافته است. تأثیر پذیری مترجمان «اب» و «ر» نیز از ترجمه تفسیر طبری مشهود بوده و دور از انتظار نیست. در ترجمه «ق» معادل معنایی «بهیستن» به معنای «دست برداشتن» و یا «بگذاشتن» به عنوان یک معادل فارسی اصیل برای «تَرک» به کار رفته است. در این ترجمه که مربوط به گونه جنوبی زبان فارسی یعنی گویش سیستانی است با فرایند کشش واکه ای^۴ که از ویژگی های بارز این گویش است مواجه هستیم. «کشش واکه ای و حفظ آن از فارسی میانه، به عنوان یک ویژگی واجی ممیز معنا، ویژگی آوایی گویش سیستانی است که جایگزینی [e] با [e:] یکی از نمودهای آن است» (آهنگر و دیگران، ۱۳۹۵ : ص ۳۴) در این گویش واکه [e:] دوره میانه^۵ که در فارسی معیار افراشتگی پیدا کرده است و [i:] تلفظ می شود به همان صورت فارسی میانه [e:] تلفظ می شود. (آهنگر و دیگران، ۱۳۹۵ : ص ۳۳)

^۲ ر.ک. یادداشت ها .

^۳ ر.ک. یادداشت ها .

^۴ ر.ک. یادداشت ها .

^۵ ر.ک. یادداشت ها .

۱-۱-۲) واژه «ترک» در آیه ۲۶۴ سوره بقره معادل «تبدیل کردن» است و ضمیر «ه» مفعول به اول و «صلداً» مفعول به دوم آن می باشد. (دعاس، ۱۴۲۵ ق. : ج ۱، ص ۱۱۳؛ درویش، ۱۴۱۵ ق. : ج ۱، ص ۴۰۹)

«... كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا...» (بقره : ۲۶۴)

ط- ... داستان او چون داستان سنگی است بر آن خاکی ، برسد آنرا باران دست بدارد آنرا هموار، ...

اب- ... مثلاًش چون مثل سنگی نرم است که بر او خاکی باشد برسد به او بارانی سخت رها کند او را ساده، ...

ر- ... مثل او چون سنگی بود نسوی که ور او خاکی بود، برسد او را بارانی سخت دست بدارد او را پاکیزه ز خاک، ...

ق-... مثل او چون مثل سنگی وران خاکی، رسید بدان بارانی سخت ، بهیشت آن را روده،...

در ترجمه های فوق مترجمان «ط» و «ر» از معادل «دست برداشتن» ، مترجم «اب» از معادل «رها کردن» و مترجم «ق» از معادل «بهیشتن» به معنای «بگذاشتن» استفاده کرده اند که به نظر می رسد به آن بخش معنایی واژه «ترک» که در این آیه مدنظر بوده است، بی توجه بوده اند.

در ترجمه «ر» و «ق» ، «ور او» و «ور آن» به جای «بر او» و «بر آن» به کار رفته که نمودار تلفظ محلی کاتب و یا مترجم است .

۱-۲) نمونه دیگر واژه «شراء» است که هم به معنی «خریدن» است و هم به معنای «فروختن» (امانی و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۱۵۷)

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ... (نساء / ۷۴)

«يَشْرُونَ» در این آیه به معنای «فروختن» است نه «خریدن» چرا که روی سخن آیه با مؤمنان است و مؤمنان زندگی دنیوی را به آخرت می فروشند (طبرسی، ۱۳۷۹ ق. : ج ۵، ص ۲۳۶)

حال به معنای آن در چهارترجمه مذکور می پردازیم:

ط- کارزار کند اندر راه خدای آنکی بفروشد زندگانی این جهان بآن جهان...

اب- بگو تا کارزار کنند در راه خدا آنان که بفروختند زندگانی نزدیکتر به سرای بازپسین...

ر- حرب کنند اندر سبیل خدای آن کسانی که بخریدند زندگانی این جهان بدان جهان ...

ق-کوکازار کنید در ره خدای ایشان می فروشند زندگی این گیتی بدان جهن ...

در ترجمه های «ط»، «اب» و «ق» مترجمان با توجه به متن و بافت و قرائن موجود به کاربرد معادل مطابق با منظور آیه پی برده اند. اما مترجم «ر» معادل «خریدن» را به کار برده است.

مترجم قرآن ری همچنین در ترجمه واژه شَرَوْا در آیه «وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» (بقره : ص ۱۰۲) معادل «بخریدند» به کار برده است و این در حالی است که در قرآن شماره ۲ و شماره ۱۰ ثبت شده در کتابخانه آستان قدس رضوی^۶ که مربوط به قرن های چهارم و پنجم هجری است به ترتیب معادل «بفروختند» و «بفروختستند» (گونه نیشابوری) به کار رفته است از آنجا که معیار علمی و معقول در واژه گزینی، قابلیت ارتباطی است به نظر می رسد جستجوی مترجم قرآن ری برای یافتن معادل در زبان مقصد صحیح نبوده و به ترجمه خلل رسانده است.

^۶ رک. یادداشت ها

۲- استفاده از واژه‌های زبان مبدأ

۲-۱- در هنگام داشتن معادل در فارسی

مقایسه چهار ترجمه نشان می‌دهد که در برخی موارد بعضی مترجمان ترجیح داده‌اند حتی در مواردی که واژه قرآنی در فارسی معادل داشته، همان واژه‌های زبان اصلی را در ترجمه خود به کار ببرند، درحالی که بعضی دیگر معادل‌های فارسی را جایگزین کرده‌اند.

به نمونه‌هایی در این باره از چهار ترجمه فوق اشاره می‌کنیم:

۲-۱-۱) *ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا...* (فصلت: ۱۱)

ط- باز راست شد سوی آسمان و آن دودی است و گفت آن را و زمین را که: بیایید به خوش منشی و یا بدشخواری...

اب- پس قصد کرد به آسمان و آن دودی بود. گفت آن را و زمین را که بیایی به طاعت یا به کراهت...

ر- پس قصد کرد به آفریدن آسمان و آن بود دودی، گفت آسمان را و زمین را هر دوان بیاید بطوع یا بکره...

ق- و از قصد کرد بی آفریدن آسمان و آن دودی بود، گفت: آنرا و زمین را آید خوش کام یا دژکام...

مترجمان «اب» و «ر» در ترجمه «طَوْعًا أَوْ كَرْهًا»^۷ واژگان دخیل از زبان مبدأ را که رایج تر و متداولتر است، دارای نیروی ارتباطی بیشتری دانسته‌اند. اما در ترجمه‌های «ط» و «ق» معادل‌گزینی شده برای «طَوْعًا أَوْ كَرْهًا» به ترتیب «خوش منشی یا دشخواری» و «خوش کام یا دژکام» در نظر گرفته شده است. این مترجمان سعی کرده‌اند حتی المقدور برای دو واژه قرآنی فوق معادل فارسی اصیل بیاورند.

۲-۱-۲) همچنین در آیه ۱۲ سوره صافات آمده است:

...بَلْ عَجَبْتَ وَيَسْخَرُونَ (صافات: ۱۲)

ط- ... بل شگفت داشتی و می‌فسوس کنند.

اب- ... بل تو شگفت می‌داری و ایشان فسوس می‌دارند.

ر- ... آری همی شگفت آید ترا و استهزا کنند.

ق- ... بل شگفت شدی و می‌اوسوس کنند.

مترجمان «ط»، «اب» و «ق» در ترجمه «يَسْخَرُونَ» معادل فارسی اصیل (فسوس^۸ کردن/ فسوس‌داشتن) را به کار برده‌اند اما در ترجمه «ر» مترجم، کاربرد واژه دخیل «استهزاء کردن» را در زبان مقصد برای درک و دریافت مخاطب آسانتر و روانتر یافته است. به نظر می‌رسد که «قرآن ری»، این قرآن قرن ششمی در روند تحول، برخی از کلمه‌های کهن فارسی را برداشته و به جای آنها الفاظ عربی نهاده است. این تغییرات در میانه قرن ششم هجری هنوز چندان زیان آور نیستند، و هنوز واژه‌های فارسی باقی مانده در زبان این مردمان، گنجینه‌ای بس گرانبهاست حتی اگر ساختار دستوری را در آنها سودمند ندانیم.» (آذرنوش، ۱۳۷۵: ص ۲۲۵)

در ترجمه «ق» معادل افسوس، «اوسوس» به کار رفته است. این واژه در گویش سیستانی به صورت «اوسوز» /avsōz/ به معنی افسوس و دریغ نیز کاربرد داشته است. (محمدی خُمک، ۱۳۷۹: ص ۴۹)

^۷ رک. یادداشت‌ها

^۸ رک. یادداشت‌ها

۲-۲- در هنگام خلاء واژگانی

مهم ترین مشکل واژه‌گزینی در ترجمه‌های هنگامی است که به سبب تفاوت بسترهای فرهنگی دو جامعه زبانی، برخی از واژه‌های زبان مبدأ همتای مستقیمی در زبان مقصد نداشته باشند. «برای نمونه قرآنی این دسته از واژگان معمولاً اصطلاح «ترجمه ناپذیر» و یا «معادل صفر» یا «بی معادلی» استفاده می‌شود.» (فرح زاد، ۱۳۸۳: ص ۲) بدیهی است «ترجمه این واژگان به زبان مقصد القا کننده کامل معنای کلمه در عربی نیستند و نمی‌توانند کاملاً از لحاظ معنایی و دینی، معنای کلمات قرآنی را برسانند.» (Elimin, 2009: 40)

در چهار ترجمه مورد بررسی به نمونه‌هایی از واژه‌های بی‌معادل اشاره می‌کنیم:

۲-۲-۱- وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا... (عنکبوت: ۱۲)

ط - و گفتند آنکسها که کافر شدند آنکسها را که بگرویدند که متابعت کنید راههای ما را ...

اب - و گفتند آنان که کافر شدند آنان را که ایمان آوردند : پَسْرُوی کنی ره ما را ...

ر - و گفتند آن کسها که کافر شدند مر آن کسها که مؤمنانند متابعت کنید راه ما را ...

ق - گفتند ایشان که کافر شدند ایشانرا کبگرویستند : پس روی کنید ره ایما را ...

از جمله واژگان بی معادل در قرآن واژه «کفر» و مشتقات آن است که هیچیک از معادل‌های به کار رفته به جای آن‌ها در بردارنده تمام مؤلفه‌های معنایی واژه‌های مذکور نیستند لذا صحیح تر آنست که عین واژگان قرآنی استعمال شود. در ترجمه آیه فوق هر چهار مترجم ترجیح داده اند به جای ترجمه فعل «كَفَرُوا» عین واژه زبان مبدأ را به کار ببرند تا بدین وسیله معنای کلمه به طور کامل به مخاطب القا شود.

۲-۲-۲- ... وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا... (آل عمران: ۹۷)

ط - ... و خدای راست بر مردمان حج خانه هرکی تواند بروسست راه بردن...

اب - ... و خدای راست بر مردمان قصد خانه آن را که برگ باشد به او راه ...

ر - ... و خدای راست ور مردمان حج کعبه هرکه توانایی دارد ور اوست آن راه ...

ق - ... خدای را ور مردمان حج خانه کی. تواند بی آن راهی ...

«حج» در لغت، قصد کردن چیزی را گویند. (ابن دُرید، ۱۹۸۷م. : ص ۸۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق. : ص ۲۹) در فرهنگ بزرگ جامع نوین کلمه «حج» به معنای آهنگ کردن و قصد طواف کردن کعبه به نیت عبادت ذکر شده است. (سیاح، ۱۳۷۱: ص ۲۳۳) در اصطلاح شرع، «حج» عبادت مخصوصی است که در زمان و مکان معین و به شکل خاصی در جوار بیت الله الحرام به منظور اطاعت و تقرب به خدا انجام می‌شود. (سعدی، ۱۴۰۸ ق. : صص ۶۶-۶۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش. : ص ۲۸۵) ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاح شرعی در اینجا است که شخص برای انجام اعمال مخصوصی قصد زیارت خانه خدا را می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۷ ق. : ص ۳۲۴)

چنانکه پیداست این کلمه در اصل به معنای قصد بوده و سپس در قصد زیارت بیت اختصاص یافته، به طریق مخصوصی که شرع آن را بیان کرده است. در ترجمه‌های «ط»، «ر» و «ق» حج عیناً به کار رفته و به دنبال آن معنای مستطیع بودن بوضوح دریافت می‌شود. به بیان دیگر تخصیص معنایی صورت گرفته است. اما در ترجمه «اب» حج در

معنای اصلی آن یعنی «قصد» به کار رفته و به دنبال آن توانایی و استطاعت داشتن به روانی و خوش فهمی سه ترجمه دیگر نیامده است.

● مقولات اساسی در معادل یابی نحوی

از آنجاکه در ترجمه‌های بین خطی بررسی شده، بنا بر ترجمه‌های تحت اللفظی بوده است، ساختار نحوی ترجمه بیشتر به ساختار نحوی عربی نزدیک است تا به ساختار نحوی فارسی. ما این الگوگیری نحوی را در سه مبحث تقسیم بندی کرده‌ایم که در زیر با ارائه نمونه‌ها به بحث درباره آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱- سازه های مصدری

در زبان عربی ساختار جمله اسمیه (بدون فعل) غالب است. این در حالی است که «در زبان فارسی نهاد و گزاره دو نقش یا رابطه دستوری عمده جمله هستند که در جایگاه نهاد، همواره گروه اسمی و در جایگاه گزاره، گروه فعلی به کار می رود. و مصدر همچون یک اسم عمل می کند.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۶: ص ۹۵) به بیان دیگر «در زبان فارسی فعل عنصر الزامی در ساختار جمله است.» (باطنی، ۱۳۴۸: ص ۷۵). و از مصدر به جای فعل کمتر استفاده می شود. با این توضیح «تمام جمله های اسمیه مصدری عربی در فارسی باید به فعل اصلی یا صفت و فعل ربطی برگردانده شود. غفلت مترجمان از این نکته ترجمه هایی به دست می دهد که از لحاظ دستوری و ساختار نحوی خوشایند فارسی زبانان نیست.» (طیب، ۱۳۸۳: ص ۶۵).

اکنون به چند مورد در چهار ترجمه مذکور اشاره می شود:

۱-۱) وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... (توبه: ۱۰۷)

ط- و آنکسها که گرفتند مسجدی زیان کاری را و کفری و فرقت را میان گرویدگان و راه گرفتن را آنرا که حرب کند با خدای و پیغامبر او ...

اب- و آنان که گرفتند مسجد به زیانی و کفری و جداکردن میان مؤمنان و نگهداشتن راه برای آنان که کارزار کنند با خدای و رسولش ...

ر- و آن کس ها که کردند بنا مسجدی را ضرار و کفری و بپراکندگی میان مؤمنان و نگاه داشتند راه آن کسی که مخالفت کرد خدای را و رسول او را ...

ق- ایشان گرفتند مسجدی دشخواری نمودن را و کفری را و جداکردن را میان مؤمنان و رگدار بودن کرا محارب شد خدای را و پیغامبر اویرا ...

در آیه فوق چهارسازه مصدری به چشم می خورد که مترجمان «ط»، «اب» و «ق» در ترجمه هر چهارمورد در دام تقلید محض از ساختار مصدری فرومانده اند. مترجم «ر» در ترجمه سه مصدر (ضراراً، کفراً و تفریقاً) گرفتار ترجمه مصدر به مصدر شده ولی در ترجمه مصدر چهارم (ارصاداً) مطابق مقتضیات زبان فارسی آن را به فعل برگردانده است. مترجم «ق» در ترجمه «ارصاداً» معادل «ورگدار بودن» را به کار برده است این نوع کاربرد با تأثیر پذیری از گونه جنوبی زبان فارسی و گویش سیستانی صورت پذیرفته است چرا که در ریشه یابی این معادل دریافتیم که «ور» var در گویش

سکزی (سیستانی) معانی متعددی دارد از آن جمله پیشوندی است که چون برسرکلمات بیاید معنای «بر و فراز»^۹ می‌دهد. (محمدی خُمک ، ۱۳۷۹ : ۴۱۰) و «گُدار» godâr اسم است و به معنی کُتل و سربالایی کوه است و «ورگدار بودن» به معنی «برفراز کوه بودن» و «راه بانی» معنی می‌شود . (همان : ۳۳۷) چنانکه پیدا است ترجمه قرآن قدس منبعی سرشار برای شناخت و مطالعه گونه های جنوبی زبان فارسی خاصه گویش سیستانی به شمار می رود و هر چند درباره خاستگاه مترجم نمی توان نظر قطعی داد اما دکتر رواقی ، مترجم یا مترجمان آن را از مردم منطقه کرمان و سیستان حدس می زند . (رواقی ، ۱۳۶۴ : ۳۵ - ۳۲).

نمونه دیگر آیه ۱۲۰ سوره توبه است:

(۲-۱) ...ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... (توبه / ۱۲۰)

ط- ... آن بدان که ایشان نه رسد بدیشان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی اندر راه خدای عزوجل ...

اب- ... این به آن است که تا نرسد به ایشان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدای ...

ر- ... آن بدانست که ایشانرا نرسیدشان تشنگی و نه گرسنگی و نه رنجی در طاعت خدای تعالی ...

ق- ... آن بدان ایشان نرسد بدیشان تشنه ی و نی رنجه ی و نی گرسه ی در راه خدای ...

در این بخش از آیه چنانکه ملاحظه می شود سه مصدر (ظَمَأٌ، نَصَبٌ و مَخْمَصَةٌ) به چشم می خورد. تفاوت های لهجه ای و گویشی در ترجمه «ق» نسبت به سایر ترجمه ها مشهود است. با بررسی در ترجمه آیات متعدد قرآن قدس ملاحظه می شود همه جا «گی» حاصل مصدر به صورت «ی» ضبط شده است:

تازه ی: تازگی ← (انسان : ۱۱ ، مظفین : ۱۴)

تشنه ی: تشنگی ← (توبه : ۱۲۰)

جاودانه ای: جاودانگی ← (ق : ۳۴)

گرسه ی^{۱۰}: گرسنگی، گرسگی ← (مائده : ۳ ، توبه : ۱۲۰)

دشمنای: دشمنانگی، دشمنایگی ← (آل عمران : ۱۱۸ ، مائده : ۶۴)

۲- ساخت های مجهولی:

تأمل در آثار فصیح پیشینیان، گرایش زبان فارسی را به فعل معلوم نشان می دهد از آن جمله در ترجمه آیات قرآن کریم، مترجمان با وجود تقید و پایبندی شدید به متن زبان مبدأ، در بسیاری جمله ها فعل مجهول را به اقتضای طبیعت زبان فارسی به فعل معلوم برگردانده اند. این در حالی است که کاربرد ساخت های مجهول در زبان عربی بسامد نسبتاً بالایی دارد. اما مواردی هم هست که مترجمان چهار اثر در دام ساخت نحوی زبان مبدأ گرفتار آمده اند و ساخت مجهول عربی را به ساخت مجهول فارسی ترجمه کرده اند که ناهنجاری هایی را به همراه داشته است. به نمونه هایی از این مورد در چهار ترجمه مذکور می پردازیم .

(۱-۲) (غُلِبَتِ الرُّومُ) (روم : ۲)

ط - غلبه کرده شدند رومیان

^۹ رک. یادداشت ها

^{۱۰} رک. یادداشت ها

اب - که غلبه کردند رومیان را

ر - غلبه کردند بر رومیان پارسیان

ق - غلبه کرده شدند رومیان

چنانکه در ترجمه آیه فوق ملاحظه می شود، مترجمان «ط» و «ق» ساختار مجهول را بر معلوم ترجیح داده اند. ترجمه های «اب» و «ر» با مقتضیات زبان فارسی همخوانی بیشتری دارند هرچند ترجمه «ر» به دلیل افزوده تفسیری (پارسیان) برای مخاطب خوش فهم تر و خوشایندتر است. در هر چهار ترجمه تقدیم فعل مجهول بر نایب فاعل و نیز فعل معلوم بر مفعول و متمم ملاحظه می شود^{۱۱}. چنانکه پیداست مترجمان هر چهار ترجمه به علت تقیّد و امانتداری افراطی بیشتر در صدد همانندسازی از ساختار نحوی زبان مبدأ در زبان مقصد بوده اند و لذا اختلاف دستوری و نحوی دو زبان را نادیده گرفته اند و بدین ترتیب تلاش زیادی برای رعایت مقتضیات دستور زبان مقصد صورت نگرفته است.

نمونه دیگر آیه ۴۱ سوره الرحمن است:

۲-۲) يُعْرِفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (الرحمن : ۴۱)

ط - بشناخته شوند گناهکاران بنشانهای ایشان ، و گرفته شوند بموی پیشانیهای ایشان و پایهایشان

اب- بشناسند مجرمان به نشانشان فراگیرند به موی پیشانی و پایها

ر- بشناسند مشرکان را به سیمای رویشان بگیرندشان به مویهایشان و به پی پایها

ق- اشنخته شند گنه کاران به نشان ایشان گرفته شهد به پنکها و قدمها

چنانکه ملاحظه می شود در ترجمه های «ط» و «ق» مترجمان در دام همانند سازی ساختار مجهولی فرومانده اند در حالیکه مترجمان «اب» و «ر» بدنبال یافتن معادل مناسب برای ساخت مجهول در زبان فارسی بوده اند. در ترجمه «ط» بای تاکید قبل از فعل مجهول و مضارع «بشناخته شوند» به چشم می خورد در ترجمه «ق» معادل «اشنخته شند» در ترجمه به کار رفته که شکل دیگری از «شناخته شوند» است و در آن تغییرات واجی رخ داده است. با بررسی در ترجمه قرآن قدس برخی کاربردهای فعلی ویژه مصدر «شدن» در این ترجمه مشاهده می شود:

أَذْهَبَ : بشه (طه : ۴۲)

تَصِيرُ : شهد (شوری : ۵۳)

تَذْهَبَ : نشهد (انفال : ۴۶)

همچنین در ترجمه «ق» معادل واژه النواصي، «پنکها» گذاشته شده است ، در واژه نامه سکزی «پنک» penak، اسم است به معنای پیشانی که به آن «پینک» هم گفته می شود . (محمدی خُمک، ۱۳۷۹: ۹۸ ، ۱۰۵). وجود این شباهت های واژگانی بیانگر آنست که ترجمه قرآن قدس رگه هایی از گویش محلی و منطقه ای (سیستانی) را دارد.

^{۱۱} رک. یادداشت ها

۳ - مفعول مطلق و انواع آن:

مفعول مطلق یکی از عناصر و حالات دستوری است که در مطالعات ترجمه و در حوزه زبانی قرآن کریم از دید زبان شناختی به ویژه زبان شناسی تطبیقی جای بحث دارد. هر چند اکثریت قریب به اتفاق دستور نویسان زبان فارسی کاربرد مفعول مطلق را متأثر از نحو زبان عربی می‌دانند، «اما نمونه‌ها و شواهد بدست آمده از متون باستانی زبان‌های ایرانی گویای آن است که مفعول مطلق از لحاظ تاریخی، آوردن مشتقی از فعل جمله برای تأکید معنی آن می‌باشد که از یک سو شباهت نقش نحوی آن با مفعول مطلق در زبان عربی و از سوی دیگر عدم آگاهی از سابقه تاریخی کاربرد آن در زبان‌های ایرانی سبب شده تا دستور نویسان تصور کنند که این حالت در زبان فارسی تحت تأثیر زبان عربی پدید آمده است.» (مولائی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۰)

حال در چهار ترجمه مذکور نمونه هایی از ترجمه مفعول مطلق بررسی می شود:

۳-۱) فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (کَهف: ۹۹)

ط- گرد آریم شان همه بهم

اب- گردآریم ایشان را گردآوردنی

ر- گردکنیم شان گردکردنی

ق- بهم کنیم ایشان را بهم کردنی

در این آیه «جمعاً» مفعول مطلق است و کیفیت گردآوردن را بیان می کند. در ترجمه های «اب»، «ر» و «ق»، مترجمان با آوردن مشتقی از فعل جمله برای تأکید بر معنی آن، مفعول مطلق «جمعاً» را مطابق با مقتضیات زبان مقصد ترجمه کرده‌اند اما در ترجمه «ط» مترجم معادل ساختاری دقیقی از مفعول مطلق ارائه نکرده و از عرف زبان مقصد فاصله گرفته است. نمونه دیگر آن در ترجمه تفسیر طبری عبارت است از: آن روز که حشر کنیم ایشان را همه (ج ۳ / ص ۶۷۱)

۳-۲) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (فَجْر: ۲۵)

ط- و آن روز نه عذاب کند عذاب او کسی

اب- آن روز نکند عذاب او کس را

ر- آن روز نکنند عذاب چون عذاب کردن وی هیچ کس را

ق- آن روز عذاب کرده نشهد چون عذاب اوی یکی

چنانکه ملاحظه می شود در این آیه «عذاب» مفعول مطلق نوعی است. در بررسی الگوهای صرفی دو زبان عربی و فارسی مشخص می شود که «عذاب» در زبان عربی، مصدر است اما در زبان فارسی به عنوان اسم معنا یا اسم مصدر شناخته می شود و برای معادل آن معمولاً از مصدر کمکی استفاده می شود لذا «در ترجمه این نوع مفعول مطلق به جای «عذاب» از معادل صرفی و دقیق آن یعنی «عذاب کردن» استفاده می شود. معادل این مفعول مطلق در این آیه، قید تشبیه است» (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ص ۱۰۰) که در ترجمه «اب» کاملاً نادیده انگاشته شده است. ترجمه «ط» مبهم است و دریافت درستی از معنای آیه بدست نمی دهد.

در ترجمه های «ر» و «ق» قید تشبیه به کار رفته منتهی در ترجمه «ق» به جای مصدر «عذاب کردن» اسم معنای «عذاب» به چشم می خورد که از نظر ساختوازی تعادل ترجمه ای ندارد. ترجمه «ر» از این نظر پایبندی بیشتری دارد و توانسته با کاربرد قید تشبیه و مصدر کامل «عذاب کردن» تعادل ساختاری و معنایی را تا حد زیادی برقرار کند.

نتیجه گیری:

ترجمه بین خطی (Interlinear Translation) نوعی ترجمه افراطی لفظ به لفظ و فاقد خلاقیت زبانی است و حکم لغت معنی را دارد. با این همه، به دلیل انتقال نوآوری های زبانی به زبان مقصد و پربارتر کردن آن خالی از فایده نیست که به نمونه هایی از آن در این مقاله اشاره کردیم. با واکاوی مقایسه ای و زبان شناختی چهارترجمه بین خطی کهن قرآن در بازه زمانی قرن چهارم تا نیمه قرن ششم هجری در دو حوزه «واژگان» و «نحو» نتایج زیر به دست می آید:

در حوزه معادل یابی واژگانی در کاربرد واژگان معادل، جستجوی مترجمان ترجمه رسمی (طبری) و قرآن قدس در یافتن معادل های اصیل فارسی برای واژه های قرآنی چشمگیر است هر چند وجود برابر نهادهای محلی (گونه جنوبی زبان فارسی) در ترجمه قرآن قدس با وجود ارزشمند بودن، برای گویشوران و مخاطبان سایر گونه های زبانی و حوزه های جغرافیایی زبان فارسی باعث دیر فهمی شده است. عربی زدگی و کاربرد واژگان دخیل در ترجمه های «تفسیر ابوالفتوح رازی» و «ری» بیشتر مشهود است به نحوی که وجود واژگان متداول تر و رایج تر در این ترجمه ها به ارتباط مؤثرتری با مخاطب انجامیده است. در بحث واژگان بی معادل (خلاء واژگانی) هر چهار ترجمه به متن مبدأ پایبند بوده اند و عین واژه را در زبان مقصد آورده اند که به نظر می رسد با این رویکرد از ایجاد وقفه در قرائت و برهم خوردن تمرکز خواننده ممانعت کرده اند.

در حوزه معادل یابی نحوی، در ترجمه سازه های مصدری، مترجمان از ساخت مصدری زبان مبدأ تقلید کرده و عرف دستور زبان مقصد را رعایت نکرده اند. در ترجمه ساختهای مجهولی، مترجمان «طبری» و «قدس» در دام عربی زدگی نحوی گرفتار آمده اند، اما به نظر می رسد ترجمه های «تفسیر ابوالفتوح رازی» و «ری» با مقتضیات زبان فارسی همخوانی بیشتری دارد. همچنین معادل مفعول مطلق در ترجمه های مذکور بیشتر براساس تشابه ساختاری است و نه تعادل ساختاری؛ که این گونه ترجمه از معیارهای نحوی زبان فارسی فاصله دارد. با این همه ترجمه های بین خطی در بازه زمانی فوق دارای خلاقیت های واژگانی و نحوی است و تا حد زیادی استقلال متنی دارد.

- ۱- اصل این رساله به زبان روسی است و در بخش منابع ذکر شده است.
- ۲- این فرهنگ به الفبای سیریلیک تاجیکی در دو جلد و زیر نظر محمد جان شکور اف و همکاران تهیه و تنظیم شده است.
- ۳- این فرهنگ نیز در دو جلد و به خط سیریلیک تاجیکی با نظارت سیف الدین نظر زاده و همکاران تهیه و تنظیم شده است.
۴. در راستای تحولات واکه‌ای، یکی از آوا گروه های فارسی باستان، «ai» بوده که معادل آن در زبان اوستایی «ae» است. معمول ترین تحول این آوا گروه آنست که در دوره میانه به مصوت (واکه) کشیده «ē» [e:] و در دوره جدید به مصوت (واکه) کشیده «ī» [i:] بدل می شود. (باقری، ۱۳۸۰: ۴۴).
- ۵- نک. مکنزی، 1971: 79,18,16.
- ۶- نک. فرهنگنامه قرآنی، با نظارت محمد جعفر یاحقی، (۱۳۷۷). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ج ۱، صص ۳۶-۳۴.
- ۷- در قرآن های شماره ۲، ۳ و ۱۰ ثبت شده در کتابخانه آستان قدس رضوی که مربوط به قرنهای چهارم و پنجم هجری قمری است معادل «طوعاً» به ترتیب خوش منشی یا خوش کام، فرمان بردار (بخوش منشی) و خوش منشی و معادل «گرها» به ترتیب نا خوش منشی (ناکام و ناخوشی)، ناخوشی و ستم ذکر شده است.
- ۸- در فرهنگ فارسی به پهلوی افسوس (ریشخند، استهزاء) به صورت afsōs، apsōs، apasōs ثبت شده و چنانکه ملاحظه می کنیم در نتیجه فرایند حذف واج /v/ افسوس به فسوس بدل شده است. (فره وشی، ۱۳۵۲: ۲۶) همچنین در فارسی میانه استهزاء به معنی afsōsgarīh آمده است. (فره وشی، ۱۳۵۲: ص ۲۲)
۹. مثال دیگر برای این پیشوند «ورپاشیده» (vārpāšidā) است یعنی چیزی مثل گندم و چون آن را به هوا پاشیدن و به قول خراسانی ها، پیشینگ کردن (محمدی خمک، ۱۳۷۹: ص ۴۱۰)
- ۱۰- دکتر رواقی در مقدمه قرآن قدس در صص ۳۸ - ۳۷ واژه «گرسه» را در شمار واژه‌هایی ذکر کرده است که ریشه در فارسی میانه دارند و دست‌یاب شده‌اند اما شاهد و مثالی در واژه نامه‌های فارسی میانه در دسترس از آن موجود نیست و تنها در ترجمه قرآن قدس به کار رفته است (طه: ۱۱۸، نحل: ۱۱)
۱۱. نمونه‌هایی از تقدیم فعل مجهول بر نایب فاعل و نیز فعل معلوم بر مفعول و متمم در ترجمه تفسیر طبری یافت شد از آن جمله:
- و مهر کرده شد دل‌های ایشان، و ایشان نه اندر یابند (ج ۳: ص ۶۲۳)
- ساخت خدای عز و جل ایشان را بهشتها. (ج ۳: ص ۶۲۳)
- پس بگرفتیم ایشان را. (ج ۳: ص ۸۱۳)
- نکته قابل توجه آنست که در ترجمه تفسیر طبری فعل مجهول بیشتر با فعل معین «آمدن» به کار رفته است اما با سایر مصادر هم دیده می شود: حدیث بانگ نماز جای دیگر آمده است (ج ۴: ص ۹۱۶)
- از هر چیزی برخی گفته آید تا آیت فرو گذاشته نیاید (ج ۵: ص ۱۱۴۸)

منابع

- قرآن کریم

- انجیل برنابا ترجمه حیدرقلیخان قزلباش (سردارکابلی)، ۱۳۶۲، دفتر نشرالکتاب.
- کتاب مقدس ترجمه تفسیری: شامل عهد عتیق و عهد جدید، بی تا، بی جا: بی نا.
- ترجمه تفسیرطبری، تصحیح واهتمام حبیب یغمایی، ۱۳۳۹، تهران: توس، چاپ دوم.
- ترجمه قرآن ری، به کوشش محمد جعفریاحقی، ۱۳۶۳، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، چاپ اول.
- ترجمه قرآن قدس، به کوشش علی رواقی، ۱۳۶۴، تهران، مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تألیف حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری مشهور به ابوالفتوح رازی به کوشش و تصحیح محمد جعفریاحقی و محمد مهدی ناصح، ۱۳۷۷، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم.
- آذرنوش، آ، ۱۳۷۵، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی) تهران: سروش، چاپ اول.
- آهنگر، ع و دیگران، ۱۳۹۵، «توزیع جغرافیایی تنوعات واکه ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی - نارویی و میانکنگی»، فصل نامه زبان شناسی اجتماعی، س ۱، ش ۱، صص ۲۱-۳۶.
- امانی، ر و دیگران، ۱۳۹۰، «کاربردشناسی اصل «تعادل ترجمه ای» واژگان در فرآیند ترجمه قرآن» مجله ادب عربی، شماره ۲، پاییز، صص ۱۳۷-۱۶۴.
- باطنی، م، ۱۳۴۸، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- باقری، م، ۱۳۸۰، واج شناسی تاریخی زبان فارس، تهران: قطره.
- بهار، م، ۱۳۴۵، واژه نامه بندهش، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ———، ۱۳۵۱، واژه نامه گزیده های زاد اسپرم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، ا، ۱۳۴۸، واژه نامه مینوی خرد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خرمشاهی، ب، ۱۳۷۲، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ اول.
- خزاعی فر، ع، ۱۳۸۳، «ترجمه ادبی از منظر زبان و فرهنگ مقصد»، مجله مترجم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان، صص ۳-۷.
- درویش، م، ۱۴۱۵ ق.، إعراب القرآن الکریم و بیانه، سوریه: دارالإرشاد.
- دعاس، ح، ۱۴۲۵ ق.، إعراب القرآن الکریم، دمشق: دارالمنیره و دارالفارابی.
- رضایی اصفهانی، م، ۱۳۸۳، «روشها و سبک های ترجمه قرآن» مجله ترجمان وحی، شماره ۱۵، صص ۳۳-۶۱.
- سعدی شیرازی، م، ۱۳۶۸، گلستان سعدی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه، چاپ پنجم.
- طبرسی، ف، ۱۳۷۹ ق.، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- طبری، م، ۱۳۵۲ ش، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طیب، م، ۱۳۸۳، «نگاهی به سه ترجمه نهج البلاغه از دیدگاه زبانشناسی»، مجله مترجم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان، صص ۵۷-۷۱.
- فرح زاد، ف، ۱۳۸۳، «ترجمه شناسی مکتب لایپزیک»، نشریه زبان و ادب پارسی، شماره ۲۰، دوره ۷، صص ۲۲۹-۲۳۶.
- یاحقی، م و دیگران، ۱۳۷۷، فرهنگ نامه قرآنی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- فره وشی، ب، ۱۳۵۲، فرهنگ زبان پهلوی، انتشارات دانشگاه تهران.
- قلی زاده، ح، ۱۳۷۹، «مفعول مطلق و معادل ساختاری آن براساس ساختار زبانی قرآن کریم»، مجله بنیات، قم، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۹۰-۱۰۷.
- کریمی نیا، م، ۱۳۸۹، ساخته های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن، تهران: هرمس.
- لوئیس، ب، ۱۳۸۲، «از بابل تا دیلماج تا مترجم امروزی»، ترجمه حسن کامشاد، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۷، صص ۳۸-۴۹.
- محمدی خُمک، ج، ۱۳۷۹، واژه نامه سکزی (فرهنگ لغات سیستانی)، تهران: سروش.

- مولائی، ج، ۱۳۸۱، «مفعول مطلق در زبان فارسی (تحقیقی در حاشیہ دستور تاریخی)»، مجله زبان و ادب فارسی، دانشگاه تبریز، دوره ۴۵، ش ۱۸۵، صص ۹۵-۱۰۲
- مشکوٰۃ الدینی، م، ۱۳۸۶، دستور زبان فارسی، تهران: سمت.
- وهمن، ف، ۱۳۵۵، واژه نامه ارتای ویراز نامک، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- Abobaker Ali et al., 2012, "Some Linguistic Difficulties in Translating the Holy Quran from Arabic into English", *International Journal of Social Science and Humanity*. Vol. 2, No.6, November.
- Eliman, S.A. A., 2009, "Clause- level Foregrounding in the Translation of the Quran into English: Patterns and Motivations", unpublished PhD.thesis, Manchester univ., Manchester.
- Mackenzie, D.N., 1971, a *Concise Pahlavi Dictionary*. London: oxford university press.
- Touri, G, 1980, *In Search of a Theory of Translation*, Tel Aviv: Porter Institute.
- Winter, T.N., 1974, "Review of New World Bible Translation Committee`s The Kingdom Interlinear Translation of The Greek Scriptures", Faculty Publications, *Classics and Religious Studies Department*.
- <http://biblehub.com/interlinear/>

Назарзода Сайфиддин ва дигарон, 2008, *Фарҳанги тафсирии забони тоҷикӣ*, Душанбе: Пажӯҳишгоҳи забон ва адабиёти Рӯдакӣ.

Насриддинов Фаҳриддин. 2012, "Тарҷумаи форсии Қуръони карим ва тафсири он дар қарнҳои 10 То 12", Хуҷанд: Донишгоҳи давлатии Хуҷанд.

Шакуров Муҳаммадҷон ва дигарон, 1969, *Фарҳанги забони тоҷикӣ*, Маскав: Академияи илмҳои Ҷумҳурии Тоҷикистон.